

تاریخ امپراتوری
از یادرفته‌ی باختر

هیو جرج رولینسن
ترجمه‌ی زهره محمدی یگانه



www.ketab.ir

سرشناسه، رولینسن، هیو جرج
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ امپراتوری ازبادهفته ی باختر / هیو جرج رولینسن / ترجمه زهره محمدی یگانه
مشخصات نشر: تهران: نشر جمهوری، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۲۴-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Bactria, the history of a forgotten empire, 1912
شناسه افزوده: محمدی یگانه، زهره، ۱۳۵۴-، مترجم
رده بندی کنگره: DSR ۲۳۰
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۹۴
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۶۸۲۸۹

از مجموعه کتاب های تاریخ و سیاست
تاریخ امپراتوری ازبادهفته ی باختر
هیو جرج رولینسن / ترجمه زهره محمدی یگانه



نشر جمهوری
صفحه آرا / مریم یکتائی
ویرایش / تحریریه نشر جمهوری
لیتوگرافی / نقش اور
چاپ و صحافی / فارابی
توبت چاپ / اول، ۱۴۰۲
تیراژ / ۵۰۰ نسخه
شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۲۴-۷

دفتر مرکزی / خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی،
خیابان ژاندارمری غربی، شماره ۸۸
تلفن: ۰۹۱۹۱۹۹۳۷۶۶ / همراه: ۰۶۶۴۸۵۱۱۴

حق چاپ و انتشار انحصاراً محفوظ است.
اینستاگرام / jomhooripublication
وبسایت / www.jomhooripub.com
پست الکترونیک / Nashre.jomhoori@gmail

تقدیم به جیمز آدام دکتری عالی ادبیات

اگر ایده‌های اروپایی توسط امپراتوری باختر به خاور دور راه می‌یافت، ایده‌های شرقی (آسیای) نیز از آن طریق و مسیرهای شبیه به آن، راه خود را به اروپا پیدا می‌کرد (تاریخ توسعه‌ی روشنگری در اروپا اثر ویلیام دراپر).

در ژرفای گمنامی که تاریخ سرزمین باختر را در بر گرفته است، هیچ‌گونه روا نیست تا در این باره، حتی کمترین کورسویی از دانش را نادیده انگاریم.

شلگل

فهرست

۱۱	مقدمه‌ی نویسنده
۱۳	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	پیشگفتار
۱۷	کتاب‌شناسی
۲۵	فصل اول/ جغرافیا و کهن تاریخ باختر
۳۸	فصل دوم/ آغاز تاریخ باختر تا زوال امپراتوری ایرانیان
۵۰	فصل سوم/ اشغال ایران توسط اسکندر
۶۳	فصل چهارم/ حکومت خودمختار باختر
۷۴	فصل پنجم/ باختر در اوج قدرت
۹۲	فصل ششم/ اضمحلال امپراتوری شمال
۱۱۰	فصل هفتم/ از مناندر تا انقراض حکومت یونانیان در شرق
۱۲۵	باب هشتم/ تأثیر اشغال یونان بر هندوستان
۱۳۸	منابع و مآخذهای ذکر شده
۱۳۹	پیوست نخست
۱۴۳	پیوست دوم
۱۴۷	پیوست سوم
۱۴۹	پیوست چهارم
۱۵۰	پی نوشت مقدمه
۱۶۷	پی نوشت اول
۱۷۹	پی نوشت دوم
۱۸۹	پی نوشت سوم
۱۹۴	پی نوشت چهارم
۱۹۸	پی نوشت پنجم
۲۰۸	پی نوشت ششم
۲۱۴	پی نوشت هفتم
۲۱۹	پی نوشت هشتم
۲۲۷	نمایه

مقدمه‌ی نویسنده

در اینجا لازم است سپاسگزار تمام کسانی باشم که با محبتشان مرا در دست‌یازیدن به مطالبی که برای انتشار این کتاب ضروری بود، یاری رساندند. از آقای اف. و. توماس که سال‌ها پیش، به لطف ایشان اجازه‌ی استفاده از کتابخانه‌ی اداری هندوستان به من داده شد، تشکر می‌کنم. از آقای اچ. اچ. لیک مهندس ناظر در ایالت گالیو که یک طراحی و دیگر جزئیات مربوط به برج باختر (خام بابا) را در بستگر برایم تهیه کرد، سپاسگزارم. این طرح توسط سرهنگ ام. جی. کمبل ارائه شد که او نیز به اندازه‌ی کافی به من لطف داشت و نقشه‌های ارزشمندی برایم فراهم آورد که در به‌کارگیری این کتاب، بسیار مفید واقع شد. همچنین از کمک سخاوتمندانه‌ی صاحب‌منصبان کالج امانوئل کمبریج که در پرداخت هزینه‌ی نسخه‌ی اصلی مرا یاری رساندند، متشکرم. در پایان نیز خود را بی‌اندازه، مرهون پروفیسور ای. جی. رپسون، استاد زبان سانسکریت در دانشگاه کمبریج می‌دانم که با توصیه‌های ارزشمند و علاقه‌ی خدشه‌ناپذیر ایشان توانستم این مهم را به انجام رسانم. از لطف ایشان، همان بس که تمام یادداشت‌های مربوط به این نسخه را مطالعه فرمودند و پیشنهادات و اصلاحاتی بی‌شمار بر آن افزودند. همچنین، لازم به ذکر است که چون این اثر مخاطب عام دارد، نشانه‌های کم‌اهمیت و خسته‌کننده‌ای را که در آثار شرقی باب هستند، حذف کرده‌ام.

اچ. جی. رولینسون

پونا ۱۹۱۲

مقدمه‌ی مترجم

چنین معمول است که تاریخ را گاه ناظر به رخدادهای گذشته و گاه معطوف به پژوهش و بررسی رویدادها می‌دانیم (ویکی‌پدیا). در این میان، گاه پیش می‌آید که در باب یک رخداد تاریخی واحد، روایاتی متفاوت نقل می‌شود. خصوصاً آنکه به گذشته‌ای چند هزار ساله مربوط باشد. تاریخ سرزمین من نیز با دیرینه‌ای چند هزار ساله از این آفت دور نمانده است. این گونه است که این کتاب که به باور نویسنده، بر اساس روایات منابع موثق متفاوتی بیان شده، گاه ایرانیان را مردمانی "بربر" و "غیرتمدن" (البته این واژگان بیشتر در مورد بخش شرقی ایران باستان که مربوط به سکاها بوده، به کار می‌رود)، و گاه آنان را "سلحشورانی" "شجاع" و بادرایت معرفی می‌کند.

هرچند که در خصوص جغرافیای سرزمینم، بسیار هوشمندانه و ادیبانه سخن به میان آمده و نویسنده با قلمی بسیار شیوا و دلنشین به شرح و توصیف دیرینه‌ی این خطه‌ی ازیادرفته پرداخته، لیک در پاره‌ای موارد بر این باورم که دانسته‌های او چندان کافی نبوده است؛ چراکه در باب بزرگان سرزمینم چون کوروش بزرگ و داریوش اول که خدمات بسیار ارزنده‌ای به ایران و ایران‌زمین داشته‌اند، سخن چندان نرانده و همچنین، در خصوص سلسله‌ی اشکانیان که از افتخارات ایران‌زمین به حساب می‌آید، کم‌لطفی کرده است.

البته این حقیر می‌اندیشم، شاید لازم است متخصصان امور ایرانی بر تاریخ، فرهنگ و گذشته‌ی ازیادرفته‌مان تمرکز کرده و تلاشی بیشتر برای شناساندن

سرزمینمان داشته باشند تا دیگران ما را از فیل سواران و اقوام بدوی بیابان گرد تمیز دهند. لذا لازم دیدم که در بخش پایان کتاب در قسمتی با عنوان پی نوشت، که می توانست تنها در حد نمایه ای بیش نباشد، برای رفع پاره ای ابهامات توضیحاتی را بر کتاب بیفزایم.

زهره محمدی یگانه

زمستان ۱۴۰۰

www.ketab.ir

پیشگفتار

موضوع این کتاب، تحقیق تاریخی منطقه‌ای از ایران بزرگ است که روزگاری، بخش شرقی امپراتوری ایران را تشکیل می‌داد و اینکه پس از حمله‌ی یونانیان، به یک امپراتوری یونانی، اما مستقل تبدیل شد. اما سرانجام یونانیانی که بر این سرزمین حکم می‌راندند، مغلوب اقوامی از شمال شده و به هندوکش رانده شدند. و این‌گونه خواهیم دید که تاریخ سرزمین باختر به‌طور طبیعی به چهار دوره تقسیم شده است؛ گذشته از انبوه افسانه‌هایی که نخستین دوره را در بر می‌گیرد و به‌طور اساسی حول شخصیت اسپیتامای زرتشت می‌چرخد، فقط آن موقع که باختر به‌عنوان قلمرو حکومتی ساتراپ یا استانی از امپراتوری ایران درمی‌آید، زمینه‌ی مطالعاتی‌مان محکم‌تر می‌شود. پس از شکست ایرانیان توسط اسکندر، به دوران دوم در تاریخ این سرزمین وارد می‌شویم که همان دوران سلطه و اشغال آن توسط مقدونی‌هاست. دوران سوم، در سال ۲۵۰ قبل از میلاد، با قیام دیودوتوس آغاز می‌شود. در این زمان باختر نقش یک سرزمین یونانی مستقلی را ایفا می‌کند و نه تنها به آن‌سوی سفد در شمال رخنه می‌کند که از بخش وسیعی در پنجاب و افغانستان امروزی هم فراتر می‌رود. فصل پایانی تاریخ این سرزمین، با عقب‌رانده شدن یونانیان باختر، در شمال هندوکش آغاز می‌شود؛ یعنی همان زمان که ساگالا را به‌عنوان پایتخت برگزیده بودند. در آخر، با سرکوب نهایی یونانیان توسط پادشاهان کوشانیان به تاریخ باختر نیز پایان داده می‌شود.

کتاب‌شناسی

منابعی در ادبیات کلاسیک: تاریخ ایران کهن در نهایت ابهام و تاریکی است و ما تنها می‌توانیم خوشه‌چین داده‌های بسیار اندک و درستی از سرزمین باختر، پیش از بنیان‌گذاری امپراتوری ایران باشیم. افسانه‌هایی که در اوستا آمده‌اند و نیز ادبیات فارسی پس از آن (به‌ویژه شاهنامه‌ی فردوسی) را نمی‌توان تاریخ واقعی انگاشت. آن‌ها تنها در لباس شعر، نگهدار سنت‌های نیمه‌فراموش‌شده‌ی دوره‌ای هستند که باختر خطه‌ای خودمختار بود و برای ماندنش برابر تورانیان مقاومت می‌کرد. تک‌چهره‌ی برجسته‌ی این دوره، شخصیت زرتشت است و شاید تنها منابع مربوط به ایشان را بتوان در بستری از واقعیت یافت. کتزیاس پزشک یونانی در دربار اردشیر دوم، نخستین کسی بود که در باب کهن‌تاریخ ایران‌زمین نگاشت. اقامت طولانی او در دربار و دسترسی به بایگانی حکومتی، امکانی بی‌مانند به او داد که متأسفانه به‌شکلی نادرست بهره‌برداری شد. او نیز مانند یونانی‌های دیگر، کاملاً بی‌توجه به ضرورت مطالعه‌ی زبان کلاسیک آن سرزمین، به ثبت و نگارش هر افسانه‌ی ناممکن و هر حکایت دورازذهنی پرداخت که می‌خواند و می‌شنید. داستان‌های او در باب سمیرامیس، افسانه‌هایش از زرتشت و کارزار سکا‌های کوروش کبیر، به‌همراه تعداد بی‌شماری از افسانه‌های بی‌اساس دیگری که به تاریخ پس از او بازمی‌گشت، بی‌چون‌وچرا توسط نویسندگان بعد از او به کار گرفته شدند. بی‌اعتباری داستان‌هایش که ارسطو نیز به آن‌ها پی برد، در کتیبه‌ها، تاریخ هرودوت و تاریخ یهود به اثبات رسیده‌اند. تنها چیزی که از کتزیاس می‌دانیم، از طریق تلخیص‌های فوتیوس سراسقف کلیسای بیزانس است. این همه در حالی بود که بروسوس کشیش کالدین، اثری تاریخی در سه جلد در باب تاریخ بابل، ماد و

ایران در دوران اسکندر مقدونی نگاشت. اثری با انبوهی از اطلاعاتی که به تاریخ کهن باختر، روشنایی بخشید.

البته در باب تاریخ ایران زمین، اسناد و مدارکی ناب، برگرفته از تاریخ هرودوت وجود دارد که در اینجا نیازی به توضیح آن نمی‌بینم. اما افسوس که هرودوت تنها ما را به نبرد میکال می‌برد و سال‌های میان ۴۷۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد ایران شرقی با شکافی بزرگ، بری از هرگونه دانشی، ناشناخته بر جا می‌ماند. یادداشت‌های پراکنده در کتاب‌هایی چون بیلونیکا اثر دیودورس سیسیلی که معاصر با ژولیوس سزار بود، تمام آن چیزی است که برای یک قرن از باختر باقی است.

هر دو تاریخ‌نگار ریزه‌ریز لشگرکشی اسکندر را به باختر گردآوری کرده‌اند. هرچند که بی‌هیچ قیاسی آریان، بزرگ‌ترین تاریخ‌نگار است و عضو زیرک و همه‌فن حریف خدمتکار امپراتوری و تحت لوای امپراتور هادریان، دانشمند، سرباز و فیلسوفی بزرگ و بسیار مناسب وظایفی است که به ایشان واگذار شده بود. کتاب تاریخ آناباسیس که بر اساس آثار بطلیموس و اریستوبولس نگاشته شده است، از مطالب طراز اولی است که به درستی از آن‌ها بهره گرفته شده است. کتاب دلنشین داستان اسکندر خان قدرتمند اثر کوینت کورث^۱ آرایش ادبی متفاوتی دارد. کتابی مشهور در باب موضوعی بزرگ که به دلیل استفاده‌ی بی‌دقت اختیارات نویسنده، تاکتیک‌ها و جزئیات ظریف جغرافیایی نادیده انگاشته شده است. یکی از آن‌ها کلیتارکوس است که مشکوک به افزودن دست‌کم یک مورد ماجرای عشقی به تاریخ است. از سوی دیگر، کوینت کورث به اختیار کورکورانه‌ی نویسنده باور ندارد. به‌طوری‌که دست‌کم به بیان یکی از بخش‌هایی که آریان^۲ حذف کرده، می‌پردازد. او همچنین در باب بودگاه زیراسپه، شهر اسرارآمیزی در سرزمین باختر، با وجود تمام اختلاف‌نظرها، بسیار روشن و واضح سخن می‌گوید.^۳

پس از قیام دیودوت اول تا انقراض حکومتش، تاریخ باختر تنها یک

۱. زمان نامشخص. شاید داستان دلنشین اسکندر خان قدرتمند (De Rebus Ge stis Alexi Magni) در دوران کلادیوس زندگی می‌کرد.

۲. شاید کشتار برونشیدا، دور از شرم توسط آریان و صاحب‌نظران دیگر دور از شرم حذف شده باشد.

۳. فصل اول بخش پایانی رمانی تاریخی از کوینت کورث.

صاحب منصب غربی به خود دیده است: ژوستین^۱. نویسنده‌ی اثری به نام اپیتومای فیلیپیکاروم تروگوس پمپنی. این کتاب "گلچینی از تاریخ فیلیپ مقدونی" است که درباره‌ی تروگوس یکی از تاریخ‌نگاران در دوران آگوستوس نوشته شده. هرچند کتاب اصلی ناپدید شده، حقایق بی‌شماری در خصوص قیام پارت‌ها و باختری‌ها و نیز حکمرانان هندی باختر هم چنان حفظ شده است که ارزش فراوان دارد، اما آثار او نیز از دست لازم برخوردار نبود؛ تا آنجا که آدولف هولم مترجمی در قرن هجدهم می‌گوید: یا تروگوس تاریخ‌نگاری ناراحت بود یا ژوستین اختصارگری بدسرشت بود. البته، به لحاظ اینک دلایل کافی برای صحت و سقم آثار تروگوس وجود دارد، ژوستین محکوم می‌شود. به باور هولم، ژوستین نه برای دانشمندان که برای گردش کتابخانه‌اش می‌نوشت. و که پس از کسب شهرتی نادرست در خاور میانه، به دست فراموشی سپرده شده بود. در سالیان اخیر اندکی مورد توجه و ایرستاران متأخر قرار گرفت. تنها ویرایش مورد قبولی که او انجام داده، اثری است که توسط گارنیه فرره با یادداشت‌ها و پیشگفتاری بسیار مفید نگاشته شده است.

جغرافیای استرابو از اعتبار ارزشمندی در تاریخ سرزمین باختر برخوردار است. این کتاب منبعی از اطلاعات درست در باب قبایل آسیای مرکزی و هندوستان، در روزگار نویسنده‌ی اثر است. برحسب اتفاق، استرابو گفته‌های بسیار و مهمی را در باب تاریخ این سرزمین‌ها به رشته‌ی تحریر درآورده است و آنچه او در خصوص باختر و هند باختری نگاشته، بسیار حائز اهمیت است.

تعداد بسیاری از کتب مرجع، کم‌وبیش، ارزش مطالعه در خصوص این موضوع را دارند. موضوعی که نویسندگان گوناگونی از کلمنت اهل اسکندریه گرفته تا ایزیدور سویل قدیس و تاریخ‌نگاران بیزانسی به آن پرداخته‌اند. شمار قابل توجهی از این آثار توسط مک کریندل در سری ترجمه‌اش از منابع شرقی در آثار لاتین و یونانی گردآوری شده‌اند و در اثری به نام هندوستان باستان به شرح نویسندگان کلاسیک که در پنج جلد در لندن در سال ۱۸۹۶ به چاپ رسید، می‌پردازد.

قطعاتی که توسط ژوستین و استرابو حفظ شده‌اند، برای تاریخ‌نویسانند سند

ارزشمندی به حساب می‌آیند که در گفت‌وگویی فیلسوفانه به زبان پالی در کتابی با عنوان پرسش‌های میلیندا آورده شده‌اند. این کتاب توسط دکتر رایس دیویدس با عنوان کتاب مقدس شرق ترجمه شد. این پرسش که تا چه میزان اثر فوق نیز همچون کتاب کوروش‌نامه اثر گزنفون (زنفون) تنها یک داستان عاشقانه باشد، هنوز در هاله‌ای از ابهام است.

نویسندگان چینی که به سکاها (همان اقوامی که یونانیان باختر را سرنگون ساختند)، اشاره دارند؛ شاید تنها توسط دانش‌آموختگان عادی برای ترجمه به همفکری گرفته شوند. پرسش‌های مطرح‌شده در شماری مقالات به قلم ام. ام. چاونیز، اسمیچ، سیلویان لوی است. در ژورنال‌های شرقی نیز می‌توان به مسرز، توماس، فلیت و نیروی. ای. اسمیت اشاره کرد. شاید بهترین آثار از این میان را بتوان آثار دی‌گواین و دکتر اتو فرانک، ترجمه‌ی ارزشمند بال و یلهلم تروپنر، به زبان انگلیسی، با عنوان «ژانین چینی» (از فاهایاگ در سال ۴۰۰ میلادی تا هیونن چیانگ در سال ۶۲۴ میلادی)، که به شماری از اسناد بودایی‌های دنیای غرب، می‌پردازد و از سری آثار شرقی تروپنر است، معرفی کرد. هیونن چیانگ نیز اخیراً توسط واترز (سازمان ترجمه‌ی شرقی، آر. ای. اس. جلدهای چهاردهم و پانزدهم)، ترجمه شده است.

صاحب‌نظران این منابع را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

(الف) تاریخ سرزمین باختر و سرزمین‌های اطراف آن؛

(ب) سکه‌شناسی (مسکوک‌شناسی)؛

(ج) کتب مربوط به هنر هند و یونانی و مشکلات ناشی از امکان تأثیر فرهنگ یونانی بر هندوستان.

(الف) تاریخ سرزمین باختر: نخستین تلاش برای روشنی‌بخشیدن به تاریخ یونانیان هندوستان در کتابی انجام شد که بایر در سال ۱۷۹۸ در سنت پترزبورگ به چاپ رساند. کتاب دیگر نوشته‌ی توماس موریس (۱۸۰۲)، با عنوان تاریخ نوین هندوستان بود که به تفهیم امپراتوری باختر و دیگر پادشاهی‌های قدرتمند آسیایی که

در مرز غربی بودند، می‌پردازد. هر چند که از این میان نخستین اثری که به حقیقت به کمک شناخت تاریخ این بخش از جهان می‌پردازد، کتاب آریانی باستانی بی‌نظیر نوشته‌ی هوراس هایمن ویلسون (۱۸۴۱)، اثری ناگذرا و پایا با ارزشی وصف‌ناپذیر است. کتاب‌های ایندیش آلتروتوم کنده اثر لاسن و ارانیش آلتروتوم کندیث اثر اسپیکل نیز همچنان از موارد خوب هستند. برای تاریخ پارت‌ها، ششمین پادشاهی شرقی اثر رولینسون کتابی معتبر است. پروفیسور ون گات اشمید از توینگن نیز مدت زمان مدیدی برای کمک به ویرایش نهم دایره‌المعارف بریتانیکا، (قسمت ایران) درگیر مسائل مربوط به باختر بود. کتاب سودمند تاریخ گذشته‌ی ایران (۱۸۸۸) که از دید منتقدان متأخر، "بسیار درخشان و بیش از حد جسورانه" است نیز اثر اوست. آثار مهمی که با کشور سوریه و امپراتوری سلوکیان در ارتباطند، پادشاهان سوری اثر ام. بایلون و نیز خاندان سلوکیان اثر ای. آر. بوان است. آقای اسمیت در کتاب اخیرش، تاریخ کهن هندوستان (۱۹۰۴) به اختصار اما تمام‌وکمال به این مسئله می‌پردازد.^۱

ب) سکه‌شناسی: تاریخ یونانیان باختر به گونه‌ای وسیع به سکه‌هایش وابسته است؛ چراکه یادداشت‌های پراکنده‌ای را که توسط نویسندگان کلاسیک به دست آمده‌اند، به هم پیوند می‌دهد و معنادار می‌کند. ضرب سکه‌ی بسیار عالی امپراتوری باختر، گویای فرهنگ بالای فاتحان یونانی آن سرزمین است و نه کهنه‌سربازان بربری که هرازچندگاهی در آن سرزمین ساکن می‌شدند. این سکه‌ها که به تعداد بی‌شماری کشف شده‌اند، به یقین این حقیقت را که یونانیان هندوستان در رفاه به سر می‌بردند، به اثبات می‌رسانند. بسیاری از آن‌ها توسط پادشاهانی که چندان هم در تاریخ نامی از آنان برده نشده است، ضرب شده‌اند. البته به ترتیب زمانی قراردادن سکه‌های به‌دست آمده، نشانگر هوش سرشار و تلاش بسیار است.

اکتشافات پیش‌تر ویلسون و وان پرنسپ^۲ در بسیاری از آثار اخیر

۱. جلد یازدهم دائرةالمعارف بریتانیکا شامل مقاله‌ای در باب "باختر" با قلم دکتر اد. میر می‌شود؛ هر چند که در این نسخه، هیچ مطلب جدیدی اضافه بر مطلب قبلی ارائه نشده است.

۲. پرنسپ پیش‌تاز در سکه‌شناسی باختر بود که اثری بسیار مشهورانه محسوب می‌شود.

گنجانده شده است. کتاب اصلی که نشانه‌شناسی باختر را در خود دارد، کاتالوگ سکه‌های یونانی و پادشاهان سکایی باختر و هندوستان در موزه‌ی ملی بریتانیا است. این نویسنده همچنین کاتالوگی از سکه‌های پادشاهان سلوکی را نیز منتشر کرده است. این در حالی است که آقای وارویک راث با سکه‌های پارت‌ها سروکار دارد، هرچند که تمامی این آثار شامل بیانات مقدماتی ارزشمندی هستند. چندین مقاله از ژنرال سِر. ای. کانینگهام در اثری به نام سرگذشت سکه‌شناسی در باب کلکسیون‌های هندی موجود است. همچنین می‌توان به کاتالوگ ارزشمند سکه‌ها در موزه‌ی کلکته کار آقای وی. ای. اسمیت اشاره کرد. دکتر اورل استاین نیز رساله‌ای سودمند در خصوص خدایان زرتشتی حک شده بر سکه‌های سکاها نگاشته است. پروفیسور رپسن نیز با رزومه‌ی بسیار ارزشمندش که از پژوهش‌های خود در زمینه‌ی سکه‌های باختر یونانی داشت، در این خصوص کمک شایانی کرد و به‌ویژه آنکه کلام آخر را در این باب ایراد کرد. اثر ارزنده‌ی ون سلت (برلین ۱۸۷۸) را نیز نباید نادیده انگاشت.^۱

ج) تأثیر هنر هند و یونانی بر هنر هندی: موضوع حقوقی لاینحل این تأثیر در سالیان اخیر، بیش از قبل توجهات را به خود جلب کرده است. این در حالی است که دیدگاه‌های مبالغه‌آمیز وبر و نیس نمی‌توانند بازخورد معقولی داشته باشند. تا آنجا که آقای وی. ای. اسمیت، ادعای نیس را "تناقضی غریب" می‌خواند که "بویی از واقعیت نبرده است". در میان کمک‌های درخور توجهی که به این موضع شده است، "یادداشت‌های هلنی در باختر و هندوستان" اثر و. و. تارن که در مجله‌ی مطالعات یونان باستان در سال ۱۹۰۲ به چاپ رسید،^۲ را می‌توان نام برد و از میان دیدگاه‌های ناب ادبی نیز، می‌توان بی‌غرض‌ترین و کامل‌ترین بحث‌ها را در فصل پایانی تاریخ ادبیات سانسکریت اثر پروفیسور مک دائل یافت که در بخش کتاب‌شناسی پربارش آمده است. همچنین تندیس‌های قندهار که توسط ام. فوشر با حسن توجهات

۱. مراجعه شود به کاتالوگ‌های سکه‌شناسی و مدال‌شناسی جام‌گونه‌ی پروفیسور رپسن (۱۹۰۶).

۲. مراجعه شود به خلاصه‌ی بی‌طرف در بخش‌های مرتبط مقاله‌ای در باب «یونانی‌گرایی» که در دائرةالمعارف بریتانیکا ویرایش یازدهم آمده است.

دست‌نوشته‌ها آکادمیک و آثار زیبایی ادبی کاوش شده‌اند و شاید نتایج آن در یادداشت‌هایی با عنوان جغرافیای کهن قندهار، روی مرز هند و افغانستان و نیز اثر جدیدتر او به نام هنر قندهار آمده است. دیدگاه آقای و. ای. اسمیت در مقاله‌اش با عنوان "تأثیر روم یونانی بر تمدن دیرینه هندوستان" (جی. ای. اس. بی. ۱۸۸۹ صفحه‌ی ۱۱۵) بیان شده است.^۱ از دیدگاه هندی‌ها، آقای هاول در نقاشی‌ها و تندیس‌های هندی (۱۹۰۸)، با گستاخی این مسئله را که هنر هندی وام‌دار هنر غربی است، منکر می‌شود. در مورد نشانه‌های بیگانه در معماری هندی، علاوه بر بیانات کابینک‌هام در جلد پنجم کتاب، مساحی باستان‌شناسانه از هندوستان، شاید خواننده به مقاله‌ای از و. سیمپسون که در مجله‌ی مؤسسه‌ی معماران انگلیسی جلد اول صفحه‌ی ۹۲ آمده است، هم اشاره داشته باشد.

۱. آقای وی. ای. اسمیت دیدگاه‌هایش را با استفاده از نقد جدید، در تاریخ هنرهای زیبا در هندوستان و سیلان بیان می‌کند. (انتشارات کلارندون، ۱۹۱۱)، فصل یازدهم.